اخبارفرهنگی هنری

تله تئاتر شب ضربت به پایان رسید .

بیان "روایت جانسوز" در شب ضربت

■ تصویربرداری جدیدترین اثر سیمای مرکز خلیج فارس با عنوان

به گزارش رو ابط عمومی صدا و سیمای مرکز خلیج فارس؛

تله تئاتر شب ضربت با مدت زمان ۳۵ دقیقه روایت تاریخی جنایت سه نفر ازخوارج جنگ نهروان و نهایتا شهادت امام

على (ع) به دست ابن ملجم مرادى را به تصوير مى كشد.

بنا بر این گزارش، تهیه کننده و کارگردان هنری این اثر محمود

شاکری و کارگردانی تلویزیونی محمد عادل زاده است و فائزه

عطارزادگان بعنوان منشی صحنه ، منصوری و احمدزاده

تنظیم و قادری ،میرزایی ،ایرانپرست نور و تصویر و مهراب

این تله تئاتر در هجدهم ماه مبارک رمضان همزمان با شب

ضربت مولى الموحدين حضرت على (ع) از شبكه استانى

سيماى مركز خليج فارس پخش خواهد شدو محمد على قويدل،

سیما پورسالاری و علی ذاکری در آن ایفای نقش نموده اند.

روایت "دفاع مقدس" در حماسه سبز

■ شبکه استانی سیمای مرکز خلیج فارس در هفته دفاع مقدس

با ویژه برنامه حماسه سبز ۸ سال ایستادگی را روایت

به گزارش روابط عمومی صدا وسیمای مرکز خلیج فارس

در این ویژه برنامه معرفی خانوادههای شهدا، مرور خاطرات

رزمندگان و ایثارگران سالهای دفاع مقدس ، پخش سرو دهای

حماسی، معرفی دستاوردهای دفاع مقدس با استفاده از

تصویر و گفتار متن و میان پرده نمایشی با هدف نمایش

روحیه و شوخ طبعی رزمندگان اسلام در اوج سختی و تلاش

و همچنین حضور در میان مردم ،جوانان و نسل سوم انقلاب

با استفاده از گزارش و مسابقه أيتم هاي ٧برنامه ٣٠دقيقه اي

ترکیبی نمایشی است که تهیه کنندگی آن بر عهده عبدالمهدی

معرفي جاذبه هاي طبيعي

در مستند حيات" مانگرو"

زیستگاههای طبیعی جنگلهای حرا (مانگرو) از مهمترین

و ارزشمندترین منابع طبیعی استان هرمزگان است که به لحاظ دربرگیری حیات گوناگون گیاهی، جانوری و انسانی از

به گزارش روابط عمومی صدا وسیمای مرکز خلیج فارس

عبدالعزيز قاسمي تهيه كننده و كارگردان اين مجموعه قصد

دارد در دو برنامه ۲۰ و ۳۰ دقیقه ای با بهره گیری از

جلوه های تصویری ، موسیقی و افکت زیبایی ها و

برجستگی های این زیستگاه طبیعی هرمزگان را مصور نماید.

تصویربرداران این مجموعه مستند مسعود میرزایی و سعید

ماندگاری هستند و صدابرداری آن را مهراب بهرامی انجام

خواهد داد و بهرنگ عباسپور موسیقی های این مجموعه مستند

را می سازد. بنا به این گزارش، مستند حیات در مانگرو با

موضوع علم و فن و با هدف اطلاعاتي آموزشي و در قالب

مستند محض ساخته و تولید می شود.

ذوالفقار پور با اجراى سيد يحيى شريفي است.

اهمیت بسیار خاص و و یژه ای برخوردار است.

بهرامی صدابرداری آن رآ بعهده داشته اند.

فوران واژه ها

لشكر دفاع مقدس

ای بندمر تا او اطلس مث آيينه ي پاکن

ابودن بهاس نرود س

تو جلوم توی جبهه هموسريانري بسن بس

توی این دیس پای آمرومر نامونيم هيچو بي ڪس

همه جای خاك ایران لشكر دفاع مقدس

هومن حسین پور مکرمی

دوس ایجاً وگشی دس

نهال من

خشكيده شد به آتش سونران نهال من

شمعی که شام غربت او سرا گریست.م نرسم که بعد من نرسرشك دو دیده ام

خوناب دل جلوه ڪند بر سفال من آنڪس ڪه دشمني نر برايم مروا داشت

بايد دهد جواب به مرونر سئوال من

نصوير داغ دل بكشد "شعله"كر دهد بامران دیده امر دمی امشب مجال من

غلا مرضا احمدي(شعله)

مكث فانوس

قابق خيالي دس ساحل سرويا به ڪل مي نشيند و دىر نڪاه آشفته ويرقي شڪسته كسى عاشقانه مى نگام د ،آه! صدفی بر سینه شنهای آمرنرو می شکند موجى سراسيمه برچهره صدف سيلي مي نرند و لبخندش مرا مي مربايد دمريك فكاه! دىرما دىر موسىقى سكوت فرو مى چكد صخره ای چشم براه بیدامری می نشیند و خواب مي مرود تا غروب ماه! باد مڪثي مي ڪند فانوس نوانرش خاموش مي شود و فانوس بان مركً مرا مي شنود دمريك صدا ساحل نتها مي ماند قابق دسر گل می نشیند

وآمرنرو ،غمر مرا مي سرايد بايك ندا

زهرا بیگلری (غریبه)

اسماء و صفات الهي داراي اهميت بى حد و سنديت مطلق است و دانستن و تعمق و تفكر در معانى و مفاهيم آنها حاوى ارزش عالى و فوايد و اثرات بسيار است. همه امور کلی و جزئی ،حتی فرو افتادن برگی از درختان به اراده ی توانای اوست و به وسیله این نام هاست که خداوند تبارک و تعالى خود را در جهان متجلى مى سازد و به وسیله آن زندگانی روحانی انسان را كامل مى فرمايد . قرآن حاوى تفسير نام ها و صفات زیبای پروردگار است که توجه و آگاهی به آنها باعث متجلی شدن صفات الهي در انسان شده و قدرت هاي

درونی ما را بیدار و فعال می نماید . از امام رضا (ع) نقل شده است که خدای را ۹۹ اسم است که هر کس به آن اسماء دعا کند اجابت

"احد" در اصل "وحده" بوده است که "واو" به همزه تبدیل شده است و به معنی یگانه و بی همتا می باشد . امام محمد باقر (ع) فرمودند : چون اجتما مخلوق بر و حدانیت او گواهی می دهند ،احد گفته اند . احد فرد ازلی و ابدی است که ثانی ندارد . در قرآن كريم در سوره اخلاص مى خوانيم: «قل هوا... احد ، خطاب به پیغمبر اکرم (ص) فرموده که بگو : آن هويت بسيطه كه جامع تمام اسما الحسنى و صفات علياست .

او احد ، یکتا و منفرد به وجود آمده است . نه در ذات ،نه در صفات و نه در آثار مثل و مانندی ندارد،احد و واحد اگرچه هر دو دلالت بر منفرد

پیاده روی خیابون می کشه،نفساش به سختی در میاد

. نگاش می کنم، اشك توی چشماش حلقه زده ، سعی می کنه

گلوله

موحد حقیقی کسی است که خدا را به وحدت بشناسد و به عين اليقين اذعان وتصديق نمايد كه أصلاً تصور شريك برأى ذات الهي ممكن نيست. زيرا كه وحدت ،صفت ثبوتي آن فرد متعال است، نه صفت سلبى . واحد فرد ازلى وابدى است كه ثانى

گردد که در خانه انسانی وجود ندارد ،لیکن ممکن



ر احد" مخصوص به عاقل است مثل آنكه وقتى گفته شود در خانه احدی نیست ، چنین مفهوم می

است حيواني باشد . اما واحد چنين نيست . شامل حیوان نیز می گردد و شاید

اسماءِ الهي

خداوند را نام های نیکوست ، پس او را با آن نام ها بخوانید

یکی از اسراری که دراین سوره، احد را تخصیص به ذکر داده و نگفته (ا... واحد) این باشد که واحد مبدا اعداد است . نام مبارک "احد" از اسماء الحسني الهي است فقط يك مرتبه درسوره اخلاص بیان گردیده است . آن احد یگانه ای که این عالم را از ماده و نیستی لباس هستی پوشانیده و ماده را تبدیل به نیرو می کند و باز به خود برمی گرداند او یگانه ای است که از هرگونه تصور منزه، پاک و مبر*ی* است و هستی را از ذره نامرئی او آفریده و وسعت و توسعه داده و او باز ضعیف می کند و به اصل جزء نامرئی بر می گرداند تا ماده تبديل به نيرو گردد كه انالله و اناليه راجعون.

الاول والاخر او اول است پیش از تمام موجودات ، آخر است بعد از فنای همه ممکنات و موجودات و باقی ابدی است و آخر ندارد .مبدا صدور همه اسباب و

موجودات است و آخر است که بازگشت ورجوع تمام امور به سوی اوست . جامع تمام صفات وكمالات اولين و آخرين است. از جهت آنكه وجود او در همه زمانهای گذشته و آینده مستمر است . صدرت على (ع) در نهج البلاغه می فرماید: اولی است که قبل از او اولی نبود و

آخرى است كه پس از همه موجودات و ممكنات آخری نباشد. اوست کل شی و آخر کل شی. فارابی مى گويد: اول است يعنى مصدر تمام اشياء است و أولى است كه زمان و مكان را أفريده و او معشوق اول است. او اولیتی دارد که عین آخر است و آخری است كه عين اول است. در تفسير كشف الاسرار صفحه ٤٩٨ مي فرمايد: او اول كسى است كه نبودها را دانست و او آخر است که آنچه دانستنی است می داند . اول و ابتداست پیش از همه آفریده ها و آخر

به هدایت اول، که کفایت آخر، اول هر نعمت ، آخر هر محبت. نام مبارك الاول والاخركه از اسماء الحسنى

وانتهاست پس از همه باشنده ها . خدای یگانه اول است به ازلیت ، آخر است به ابدیت،

جای درد گلوله رو، روی شکمم احساس می کنم، دستا مو روی پیراهنم می کشم و دستام پر از خون می شه، وحشت مى كنم بيشتر وحشتم از مركه . اما بيشتر از اون وحشتم از دو گلوله ای که به امیر خورده ، امیر خودشو،رو

> با من حرف بزنه . اما صداش از گلوش بیرون نمی یاد . به من اشاره مي كنه فرار كنم. اما من از سر جام تكون نمي خورم ، فقط به اون و خوني كه ازش روی پیاده روی خیابون ریخته نگاه می کنم، مى خوام داد بزنم امير دوستت دارم ، از خيلى وقت پیش دوست داشتم به همین دلیل همرات شدم نه به خاطر انقلاب ، به خاطر خودت بود! در همین لحظه سيل عظيم تظاهركننده ها وارد خيابون می شه، همه دارند فرار می کنند. صدای گلوله از هر طرف شنیده می شد. امیر به سختی روی دستش بلند می شه و می گه: برو دختر نایست، کشته



مى شى، برو، از اينجا برو. با این حرف امیر گریه ام می گیره، اما می خوام بهش بگم شاید این آخرین دیدار ما باشه . می خوام بدونه دوستش داشتم، اما نمي تونم! من هم همراه سیل مردم به حرکت در میام و به سمت جلو کشیده می شم . پیکر امیر زیردست و پای مردم کم کم از نظرم ناپدید می شه ،دیگه نمی بینمش. همین طور که با سیل مردم به جلو کشیده می شم، به در و

ديوار كوچه اصابت مي كنم. خون زیادی ازم رفته اما هنوز سرپامی می تونم راه برم . خودم هم از این نیروی خودم تعجب می کنم . صدای هلیکوپتر ها رو بالای سرِم می شنوم مردم فریاد می زنند و شعار می دن یک لحظه از تلاش و تكاپو دست برنمي دارند اي كاش من هم مثل اونا عاشق بودم اما عشق من فرق مى كرد من باعشق اون وارد اين عشق شدم. صداى

پای سربازها رو از دور می شنوم . سرعتم رو بیشتر می کنم . صدای آب میاد ، جلو مو نگاه می کنم پلی که روی رودخونه کشیدند رو می بینم خودمو به سختی به زیر پل می کشونم توی تاریکی خودمو جمع و جور می کنم ، سرم و به دیوار پل تکیه می دم ، دیگه نمی تونم نفس بکشم به سختی هوارو توی ریه هام می کشونم، برگه های اعلامیه رو از توی لباسم بیرون میارم ،نگاشون می کنم همشون قرمز شدن نوشته هاش دیگه معلوم نیستند ،اما این تنها یادگاریه که ازش دارم ، تنها همین ها ازش برام باقی

اینها تنها یادگاریه روزهای تنهایی بدون اون هستّند . به رودخونه نگاه می کنم ، رودخونه امشب خیلی پر تلاطمه ، انگار اون هم عصه دار ه امشب هیچ چیزی مثل هر شب نیست شاید آسمون هم امشب بباره . اگر بباره همه توی غصه من شریک مى شن. دستام مى لرزه، ديگه. اختيارشونو ندارم، برگه ها همشون ازدستم توی رو دخونه رها می شن. انگار رودخونه هم می خواد آخرین یادگاریه های

کاش توان داشتم و نمی داشتم اونارو ببره، اونا مال من بودند . دیگه چشمام سو ندارند سایه کسی روبالای سرم می بینم انگار چیزی در دست داره .نوری از طرفش میاد و صدای شلیک

منو با خودش ببره.

گلوله مياد.

یادماندگار



نقش بی بدیل استان هرمزگان در دفاع مقدس

درابتدا نیروهای داوطلب و سازماندهی شده به شکل متفرق و پراکنده به یگان هایی که اشاره شد به جبهه اعزام می شدند اما بعدها به صورت کاروانی سازماندهی شده و در یک تاریخ معین می آمدند و بعد از گذراندن آموزش و سازماندهی وهماهنگی اعزام می شدند. تحت عنوان کاروان هایی مثل یا صاحب الزمان ،کاروان اعزامی یا مهدی ، کاروان اعزامی یا زهرا (س) و همین طور کاروان یا رسول الله و لبيك يا خميني پيشاپيش پرچمداران و رزمندگان اعزام می شدند. همچنین یگان هایی عملیاتی

 ۱- لشکر ٤١ ثارالله که يکي از يگان هاي رزمي بود و شامل نیروهای استان هرمزگان ،سیستان و بلوچستان و كرمان بود كه به اين لشكر اعزام مى شدند یعنی سه تا از استان نیروهایشان را در قالب سازماندهی گردانی یا گروهانی به لشکر ٤١ ثارالله در جبهه اعزام می کردند.

۲- همین طور بخشی از نیروها هم به لشگر ۱۹ فجر اعزام می شدند که آن لشگری بود که نیروهای استان فارس و بخشی از نیروهای استان هرمزگان و

خاطرات حماسه جوانان ديروز

بندرعباس اعزام مي شدند.

و پزشکی اعزام می کردند.

٣ -همچنین لشگر امام حسین (ع) که بخشی

نیروهای ما به آنجا اعزام می شد بخصوص که این

ستاد کمک های اولیه و امداد رسانی پزشکی در این

لشگر بودکه ستاد کمک های اولیه و امداد پزشکی

متشكل از هلال احمر استان ، بيمارستان شهر و

درمانگاه هایی که نیرو اعزام می کردند و به این ستاد

مامورمی کردند، بود . همینطور امدادگران ، پزشکان ،

پرستاران ،اعزام آمبولانس دارو نیازمندیهای درمانی

امًا غیر آز این یک بخش دیگر از نیروهای ما تخص

دریایی داشتند و آموزش های دریایی را گذرانده

بودند یا از قبل خودشان با دریا و دریانوردی

آشنا بودند و قایق داشتند یا کار دریایی انجام داده

اینها آمادگی داشتند که کارهای دریایی جبهه را

انجام دهند مثل قایقرانی ،ملوانی و سکانداری بیشتر

در بحث های دریایی انجام می دادند . رودخانه اروند

يا هُور العظيم و دَيگّر جاهاي دريايي اين بخش از كار

را آنها انجام می دادند و همین طوریگان ویژه دریایی

و ناوتیپ دریای کوثر که محلش در جبهه جنوب و

کارش دریایی و تخصصی بود بسیجیان آموزش دیده

ما آمادگی آبی و خاکی داشتند که بچه های

دریایی در همین دو بخش ناوتیپ دریایی کوثر

و یگانَ ویژه دریایی و یک تعداد هم از همان اوایل

شروع جنگ به پایگاه منتظران شهادت که به ستاد

جنگهای نامنظم شهیدچمران وابسته بود اعزام

در آغاز جنگ تعدادی از بسیجیان و پاسداران

ونیروهای داوطلب به آنجا اعزام می شدند.

یکی از گردانهای لشگر از نیروهای استان هرمزگان

و بندرعباس تشکیل شده بود که یک گردان ویژه

عملياتي بود به عنوان گردان ٤٢٢ مشخص شد . بچه

های بسیار ناب و پاکی داشت که آموزشهای مختلف

را دیده و یک گردان خط شکن و ویژه ای بود که برای

هر مرحله از عملیات به محض اعلام ماموریت حضور

مبارزه رزمندگان هرمزگانی بصورت همزمان

رزمندگان همزمان در استان هرمزگان در دو جبهه

پیدار می کردند.



در آغاز شروع جنگ ۸ ساله دفاع مقدس همزمان با دیگر شهرها و استانهای استان هرمزگان در اوایل جنگ شاهد اعزام نیروهای زیادی بود که بنده مسئول اعزام رزمندگان و حرکت كاروانهاى اعزامي به مناطق عملياتي بودم. همه بسيجيان خودجوش براى اعزام و آموزش مشتاقانه آمده بودند و بسيار با علاقته و انگیزه به سوی جبهه های حق علیه باطل حضور

در محل یگانهای رزمی و مکان های اعلام شده بِرای اعزام نیروهای بسیجی رزمنده پس از گذراندن أموزشهای مقدماتی و با هماهنگی مراکز پذیرش پایگاههای اعزام به جبهه با یگان های عملیاتی و رزمی در جبهه ها طی مراسمی با بدرقه خانواده هایشان مردم و مسئولین از مرکز سپاه فعلی ومحل مصلی قدس بندرعباس و مسجد امام (ره) کاروان های بسيجيان را اعزام مي كردند . بعد از سازماندهي و آمورشهایی که بسیجیان دیده بودند مانند دیگر رزمندگان از سراسر و استان شهر بندرعباس اعزام

که رزمندگان در جبهه اعزام می شدند:

دفاع مقدس از زبان رزمندگان استان هرمزگان

حضور داشتند . یکی جبهه جنوب و غرب که محل اصلی اعزامی های ما در یگان های عملیاتی و

رزمی در استان خوزستان به خصوص در جبهه های جنوب بود و یکی هم در خلیج فارس یعنی در همین استان هرمزگان در خلیج فارس و تنگه هرمز به جزایر مهم وآنجایی که محل اعزام نیرو به آنجا بود اعزام می از جمله شهدایی که در بحث دریا شهید شدند و در خلیج فارس با ناوهای آمریکای و خارجی جنگیدند

شهیددارا و شهید رئیسی بود. ستادهای کمک رسانی و پشتیبانی بود که در جهت جمع آوری کمک ها و نیازمندی های رزمندگان همکاری . م 250 د. د استند کمک های اولیه و امداد پزشکی استان بود که اعزام پزشک ،امدادگر و پرستار ، آمبولانس، دارو و هرچه نیاز امدادی و پزشکی بود و حتى خود نيروهايي كه همان اوايل آموزش ديده

بودند أعزام مي كردند . ستاد حزب و هدايت كمك هاي مردمی توسط خود مردم به عنوان همکاری پشت جبهه ها توسط خیلی از رزمندگان، اقوام و بستگان و خانواده های آنان درجهت آماده کردن امکانات برای رساندن به جبهه همکاری داشتند. ستاد پشتیبانی جبهه و جنگ ستادی بود که توسط بازاریان و با محوریت اداره بازرگانی در آن محل

مستقر بود که بیشتر کمک های دولتی و نهادها و دستگاههای اجرایی جمع آوری و به ستاد پشتیبانی جبهه ارسال مى شد .ستاد پشتيبانى مساجد و محلات توسط خود نمازگزاران و مردم مسجد و محله جمع آوری و به محل رزمندگان هدایت می شد . ستاد اعزام کمپرسی و ماشین های سنگین در جهت انتقال اتوبوس ، كمپرسى ، كاميون و ماشين آلات مختلف رزمی فعال بود که در قالب مهندسی رزمی برای زدودن خاکریز رزمندگان ،درست کردن جاده و سنگر فعالیت داشت.

همه مشارکت داشتند و هر کسی سعی داشت ازدیگری سبقت بگیرد و خودش را به جبهه برساند. نزدیک به ۱۲ تا ۱۶ هزار نفر ما داوطلب رزمی و بسیجی داشتیم که از استان هرمزگان اعزام شدند و حدود هزار و ۲۰۰ نفر هم شهید داشتیم . درگردان ٤٢٢ ویژه عملیاتی که با حضور نیروهای رزمنده استان و شهرستان های استان بود نیروهای داوطلب هرمزگانی واقعا هیچ چیزی از بقیه کم نگذاشتند . خیلی از افرادی که مسئولیت شان بازگردن معبر بود در شب حمله و عملیات خیلی ها در گروه تخریب بودند از همین بچه های بندر که شهدای زیادی در این باب نصیب انقلاب کردیم تخریب های حساسی است که هرکسی نمی تواند آنجا برود یعنی آمادگی ندارد هر لحظه باید آماده شهادت باشد.

خیلی از بچه های بندرعباس واصل بودند که برای آموزش بخشی در همین استان در دریا تمرین می کردند و این رزمنده ها ممکن است تعدادی در شهر مشغول زندگی هستند و کسی آنها را نمى شناسد . اینها را باید به جوانهای امروز بگوییم که

ای کاش از زبان خودشان بود. در زیر آتش پرچم دشمن در تاریکی شب هر لحظه خطر،حادثه اما اینها را پذیرفتند و رفتند و این همه عزت وافتخار آفریند که حالا ما باید قدر اینها را بدانیم و واقعاً مرهون زحمات این همه دلاوران و رزمندگان و أيثارگران باشيم.

در گفت و گوبا خبرنگار ایرنا، خاطرات تلخ و شیرین خود دا سان کردند.

كه نتيجه فارغ التحصيلي أن شهادت است. سجاد (ع) هرمزگان گفت:من در ۱۳٦٠ يس از عضويت در بسیج از بندرعباس به منطقه جنگی اعزام شدم و در

والفجر هشت، منطقه ناو شركت كردم.

بعنوان مسوول مخابرات ناوتيپ كوثرو در بقيه عملياتها از جمله عمليات والفجر هشت آرپي جي زن بودم. وی که سابقه دوسال حضور در جبهه را در کارنامه دوران دفاع مقدس دارد مى افزايد: سراسر جبهه خاطره بود بویژه در عملیاتها که یکی ازاین عملیات والفجر سه بود که در منطقه عملیاتی دهلران به سمت مهران شب به . شکار تانکهای دشمن می رفتیم.

ما آنها را به اسارت گرفتیم.

شهادت می رفتند.

معظم انقلاب مردم با روحیه کشورمان برای حفظ از كيان اين نظام مقدس آماده هستند.

وسردشت و فاو بودم. سرهنگ بختيار صالحي افزود:درعمليات والفجر

خاطرات سه تن از رزمندگان دوران دفاع مقدس در" هرمزگان" در آستانه دفاع مقدس سه تن از رزمند گان آن دوران



این سه تن که ازهرمزگان بارها در جبهه های جنوب وغرب حضور داشته اند مهمترین عامل موفقیت در پیروزی را ایمان رزمندگان به خدا، تبعیت از فرماندهی پیتان کل قوا و وحدت و همسبتگی و یکدلی دانستند. این عده بیان کردند: دوران دفاع مقدس دانشگاه انسان سازی بود و انسانهای آن دوران درجنگ مثل فرشته بودند که به گفته شهید چمران جبهه دانشگاهی مسوول فاوا (فناوري واطلاعات و ارتباطات)سپاه امام

عملیات رمضان شرکت کردم. سرهنگ دوم پاسدار حسن ماندگاری افزود: درسال ٦١عضو رسمی سپاه شدم و برای بار دوم به جبهه اعزام شدم و در عملیات والفجر سه و همچنین در عملیات

وی ادامه داد: شرکت در عملیاتهای کربلای چهار و پنج

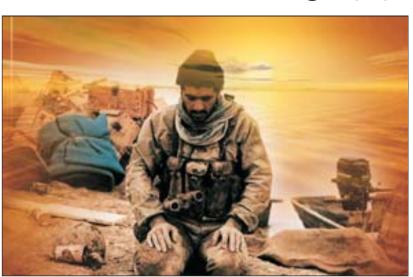
ماندگاری گفت: درهمین حین چند نفراز همرزمان دركمين دربرابر چشم ما شهيد و رخمي مي شدند تا اينكه یکی از رزمندگان تو انست خود را به یک بلدوزر دشمن برساند، آن را روشن کرد وقتی بعثی ها فهمیدند در شب صدایی می آید به حساب اینکه ایرانی ها با تانک به آنها حمله می کنند ۲۰ تا ۷۰نفراز آنها از ترس تسلیم شدند و

ماندگاری اظهارداشت: اکثر رزمندگان زمزمه با خدا، ذكر دعا ورد زبان روزانه آنها بود وبزرگترین افتخار آنها عبادت ویاد خدا بود ویکی دیگر از امتیازات این بود که شخصا برای شهادت در راه خدا آمده بودند و به استقبال

وى افزود: ما بايد اين روحيه را در جوانان حفظ كنيم زیرا یکی از عواملی که دشمنان بویژه آمریکا جرات رویارویی با کشورمان را نداردهمین روحیه وی گفت: دیروزتحت رهبری امام (ره) و امروز رهبر

مسوول تربيت و آموزش سپاه امام سجاد (ع) هرمزگان نيز گفت: من از سال دوم راهنمايي درسال ١٣٦١ به حبهه اعزام شدم جمعا ۷۱ ماه در جبهه های جنوب و غرب اعم آبادان ،خسروآباد ،خرمشهر، شلمچه،هور، مهران ، دهلران ،قصر شیرین ،سریل ذهاب ،مریوان

مقدماتي، والفجرسه، والفجر هشت ، كربلاي يك ، ٤ و ٥ و آخرین آن هم تک شلمچه در خردادماه ۱۷ شرکت داشتم. وى بيان كرد: چون بچه هاى هرمزگانى با دريا و ساحل أشنايي داشتند ازآنها در مناطق دريايي بيشتراستفاده می شد گردان ۲۲ کا لشکر ثارالله هم که فرزندان هرمزگانی



درآن بودنددراین مناطق حضورداشت و نقش بسزایی در عمليات دريايي بويژه والفجر هشت و فاو ايفا كرد. وی ادامه داد: درآخرین های ماه مبارک رمضان در خط پدافندى شلمچه در گردان ۲۲ از زیرمجموعه لشکر ثارالله كه عموما رزمندگان از استان هرمزگان بودند بچه ها از خدا می خواستند به آنها عیدی بدهد.

وى افزود: درهمين حين برغم اينكه فاصله ما با نیروهای بعثی خیلی نزدیک بود ولی هواپیماهای خودمان خط روبرویی را بمباران کردند بدون اینکه به رزمندگان

وى، يكى أز خاطرات خود را در عمليات والفجر مقدماتي ذكر كردوگفت: تا بچه ها فهميدند رمز اين عمليات يا ابوالفضل است آب قمقمه های خود به یاد تشنه لبان كربلا خالى كردند.

وی که خود هفت بار زخمی شده و جانباز ۲۵ درصد است،ایثارومقاومت رزمندگان را غیر قابل توصیف عنوان كرد و افزود: همه اين كارها به لطف خدا وائمه بود که پشتیبان خوبی برای فرزندان این آب و خاک

وی بیان کرد: وقتی فردی با شناسنامه برادر بزرگتر خود به جبهه می آمد و یا سن خود را به نحوی بالاً می برد و برخی خانواده خودشان نام فرزندانشان برای حضور در جبهه می نوشتند همه از شور و عشق حضور در صیانت از این انقلاب بود.

معاون تربیت بدنی سیاه امام سجاد (ع) هرمزگان که اهل بندرلنگه است می گوید: من متولد ۱۳٤۱ از بندرلنگه و درسال ٥٩ ازطريق بسيج وارد سپاه وبراي اولين بار درآن سال به منطقه ای بنام مگاسیسم سوسنگرداعزام

سرهنگ غلامحسین روباری افزود: این منطقه در دست

دشمن بود که ظرف ٤٨ ساعت با همت رزمندگان آزاد شد ولی فاصله ما با عراقی ها کمتر از ۱۰۰ متر وى كه سابقه پنج سال جبهه در كارنامه دوران دفاع مقدس دارد گفت: برخي مواقع مثلا ١/٥ سال در عمليات

طريق القدس وبعد از آن در منطقه بودم و بغير از حصر

آبادان در بقیه عملیات شرکت داشتم.

وی یکی ازاین خاطرات را در عملیات رمضان ذکرکرد وگفت: دراین عملیات یکی از دسته های ۲۲ نفره سمت راست قرار بود به لشكر امام حسين (ع)ملحق شود كه در حین عبورازکانال نیروهای عراقی کمین کردند و ۲۱ نفر از رزمندگان بوسیله رگبار گلوله تیربار شهادت

كانال رفتم از قسمت ران زخمى وبه بيمارستان صحرایی منتقل شدم وپس از درمان روز بعد به منطقه برگشتم ولی همه فکر می کردند من شهید

داشت و به دنبال تانك مي دويد تا نارنجك در لوله تانك بیاندازد تا منفجر شود. وى ادامه داد: در عملیات مرصاد پس از اینکه هفت تا هشت تانک عراقی با همین شیوه منجفر کرد عراقی ها با ضربه گلوله مستقيم تانك او را زخمي كردند و به يكي از

منطقه بودند که او را با خود به اردوگاه بردند و دو سال بعنوان اسیر در عراق درشرایط سختی نگهداری می شد. وى گفت: اين رزمنده و جانباز و آزاده بدليل عدم رسيدگى از سوی نیروهای عراقی وحتی نام آن بعنوان اسیر به صليب سرخ اعلام نشد جانباز شيميايي ٧٠ درصد است. وى كه خود جانباز شيميايي است افزود: چنين انسانهایی بعنوان شهید زنده درپیرامون ما هستند که با چه شرایط سختی زندگی می کنند وحداقل به

وى از جمله این عملیات را رمضان، طریق القدس وكربلاى ٤ و٥، والفجر مقدماتي و مرصاد ذكر كرد وافزود: از همه این عملیات خاطره دارم و فرمانده گروهان

وى ادامه داد: من هم كه فرمانده بودم تا به سمت

وی، یکی دیگر از خاطرات مربوط به یکی از رزمندگان بنام یوسف عزیز زاده که فرمانده گروهان بود عنوان كرد وافزود: ایشان همواره جنگ تن به تن با عراقی ها

همرزمان خود به نام حمید دولتی گفته بود من زنده نمى مانم و ايشان هم پلاك دوم عزيز زاده با خود آورده

وى افزود: روز بعد كه عراقي ها درحال ياكسازي آنها سرکشی کنیم و کمک کنیم درد ورنج آنها کم